

# لاغر شدن به شرط اعتیاد!

گفت و گو با چند مصرف کننده قرص های لاغری که از آرایشگاه، باشگاه ورزشی و... دارو را تهیه کردند و با عوارض عجیب و غریبی درگیر شدند

مهسا کسنوی | روزنامه نگار

پرونده

چندین ماه بود که باشگاه می رفتم و به نتیجه دلخواهم نمی رسیدم. روند کاهش وزن در من خیلی کند پیش می رفت. یک روز درختکن باشگاه، هنگام تعویض لباس داشتم از این که وزن کم نمی کنم، با دوستم صحبت می کردم که صدایی توجه من را به خودش جلب کرد. صدا من را مخاطب قرار داد و گفت: «اگه می خوای لاغر بشی، بهت یک قرص معرفی می کنم، سر هفته حداقل ۲ کیلو وزن کم می کنی». من که خیلی کنجکاو شده بودم، از او خواستم قرص را برایم بیاورد. بعد از گرفتن قرص، آن را به یکی از دوستانم که داروساز بود، نشان دادم. آن جا بود که فهمیدم بخش زیادی از این قرص از «مت آمفتامین» که نام تجاری اش همان ماده مخدر شیشه بود، تشکیل شده است. این روایتی که خواند بد، تویبت یکی از کاربران در شبکه های اجتماعی است که باز نشر بسیاری داشت. با خواندن این تویبت، تصمیم گرفتم در فضای واقعی داستان خوردن قرص های لاغری را دنبال کنم و تجربه افرادی را بنویسم که از این قرص ها مصرف کرده اند. در ادامه پای صحبت چهار نفر از کسانی می نشینیم که این قرص ها را مصرف کردند. همچنین یک روان شناس هم از منظر روان شناختی این موضوع را بررسی می کند.



## می خواستم لاغر تر شوم اما بدنم به هم ریخت

ارمغان ۲۹ ساله است و تناسب اندام خوبی دارد اما می گوید دوست داشته لاغر تر شود و برایم از تجربه چند سال پیش خودش می گوید: «دو سال پیش به پیشنهاد یکی از دوستانم در باشگاه، یک قرص لاغری تهیه کردم. دوستم همان اول گفت این قرص را حتما باید یک ماه مصرف کنی تا به نتیجه برسی. بعد از خوردن قرص تغییرات در بدنم شروع شد. دچار اسهال و بی اشتها می شدم و ضعف و بی حالی و سرگیجه هایم نمی کرد. تمام این علائم در هنگام داشتن فعالیت بدنی بیشتر می شد، آن قدر که توانایی ورزش کردن را نداشتم. بعد از یک ماه ۵ کیلو کم کرده بودم اما تمام علائم ضعف و سرگیجه و بی حالی همراهم بود و تا مدت ها ادامه داشت. با پرسیدن اسم قرصی که ارمغان مصرف می کرد، فهمیدم حدسم درست بوده و این قرص جزو مواردی است که مصرف آن را وزارت بهداشت ممنوع کرده زیرا دارای مقادیری از شیشه است. اما همین مقدار کم کافی است تا بدن شما را به هم بریزد و ارمغان شانس زیادی آورد که مصرف آن را بعد از یک ماه متوقف کرده بود.



## عوارض مرگبار این قرص ها تا آخر عمر با من است

آزاده ۳۴ سال دارد و از لحاظ توده بدنی به نظر کمی دچار اضافه وزن است. زمانی که از اومی خواهم از تجربه مصرف این قرص ها برایم بگوید، صدایش کمی بغض دار می شود و می گوید: «عوارض هنوز تمام نشده و تا آخر عمر با من است.» از آده ادامه می دهد: «سال ۸۸ زمانی که برای رنگ کردن موهایم، به یک آرایشگاه رفتم با این قرص ها آشنا شدم. دختری که موهایم را رنگ می کرد به من پیشنهاد کرد، این قرص را بخورم تا از شر چربی ها و اضافه وزن خلاص شوم. من هم بلافاصله قبول کردم چون آدمی نبودم که دنبال سختی کشیدن، رژیم گرفتن و ورزش کردن باشم. یک ماه بود که قرص ها را می خوردم و رفتارم به کلی تغییر کرده بود. بی اشتها، بدبین، پرخاشگر و دچار دوبینی شده بودم. کوچک ترین چیزی من را عصبانی می کرد. هر قدر خانواده ام از من می خواستند که مصرف قرص را قطع کنم، من زیر بار نمی رفتم. در دو ماه ۱۵ کیلو کم کرده بودم و این اتفاق بزرگی در زندگی ام محسوب می شد. بالاخره بعد از سه ماه مادر من را مجبور کرد، دیگر قرص نخورم. به محض نخوردن قرص ها، اتفاق عجیبی برایم افتاد. من ناگهان دچار حملات صرعی شدم. غش می کردم، می لرزیدم و از دهانم کف می آمد. من هیچ وقت در زندگی ام دچار این گونه حملات نشده بودم. خانواده ام من را پیش متخصص مغز و اعصاب بردند. بعد از اسکن های مغزی و آزمایش های متعدد، پزشکان به این نتیجه رسیدند که قرصی که من مصرف می کردم شیشه بوده و با قطع مصرف آن، بدنم و اکشن نشان داده و دچار حملات عصبی شده ام. بعد از گذشت ۱۲ سال از مصرف آن قرص ها هنوز هم عوارض همراه من است. کافی است دچار تنش روحی شوم یا استرس و اضطراب داشته باشم؛ حملات صرعی من شروع خواهند شد.»

## چرا بعضی درگیر قرص لاغری اعتیاد آور می شوند؟

تمایل بعضی افراد برای کم کردن سریع وزن با قرص و بدون زحمت، ریشه های روان شناختی دارد

الهام علمی دوست | روان شناس بالینی

احتمالا با مطالعه روایت های این پرونده، برای تان سوال ایجاد می شود که چرا برخی افراد در آرایشگاه، باشگاه ورزشی یا مهمانی به دنبال درمان چاقی بدون دردسر و زحمت هستند؟ پاسخ احتمالی این است که پدیده چاقی را دست کم گرفته اند و آن را نه به شکل یک بیماری یا نقص در متابولیسم و هورمون ها... که به شکل یک مسئله پیش پا افتاده می دانند که رفع آن نیاز به متخصص مجرب با تحصیلات دانشگاهی مرتبط ندارد. در حالی که افراد با واقعا دارای اضافه وزن قابل ملاحظه هستند و به ریشه یابی جسمی و روانی آن برای طراحی یک درمان کارآمد و ماندگار نیاز دارند یا اضافه وزن چندان نادانند و تصویر ذهنی تحریف شده دارند و خود را چاق تر از آن چه هستند، می پندارند که در این صورت هم بیشتر به درمان روان شناختی نیاز دارند تا قرص لاغری و در نهایت با پروسه های کم خطرتری می توانند به وزن مطلوب برسند.



عاقبت راحت طلبی و زودباوری و...

سوال بعدی این است که چرا افرادی داروی پیشنهادی لاغری را بدون تحقیق و پرس و جوی تخصصی تهیه و استفاده می کنند؟ مجموعه ای از ویژگی هایی که در ادامه مطرح می شود، در این زمینه نقش دارند: راحت طلبی و کمبود اراده و پشتکار کافی برای پیگیری یک درمان جامع و کامل. کم صبری و عجله برای رسیدن به نتیجه بدون بررسی عواقب بعدی، زودباوری و نداشتن تفکر نقاد که در این مورد اخیر توصیه می کنیم افراد مهارت تفکر انتقادی را در خود پرورش دهند تا هیچ چیزی را به خصوص در حوزه سلامت، بدون موشکافی و تحقیق و تفکر نپذیرند چون اشتباه در این حیطه صدمات جبران ناپذیر و حتی مرگ را به دنبال خواهد داشت.

عوارض جبران ناپذیر جسمی و روانی قرص های لاغری

جسم با ذهن یا روان وابستگی غیرقابل انکاری دارد و هر چیزی که سلامت جسم را به خطر اندازد، کم و بیش به آشفتنی روانی هم منجر می شود. این قرص ها در گام اول با تاثیر روی سلول های مغزو کاهش اشتها میل به خوردن را در افراد کاهش می دهند و در گام بعدی با

## هم لاغر شدم، هم به شدت افسرده و خسته

نگار ۲۸ سال دارد و از نظر ظاهری متناسب به نظر می رسد. از او درباره تجربه خوردن قرص های لاغری می پرسیم که می گوید: «چند سال پیش بود که به پیشنهاد کمک مربی باشگاه، من و دو دوستم تصمیم به خوردن قرص لاغری گرفتیم. این قرص ها، دوره ۲۶ روزه داشت و من یک دوره از این قرص ها را مصرف کردم. بعد از گذشت چند روز از خوردن این قرص ها اشتهایم به صفر رسید تا جایی که یک سبب را هم به زور می توانستم در روز بخورم. کم کم دچار ضعف بدنی شدم تا جایی که مجبور شدم، سرم بزنم تا بتوانم راه بروم. من در یک ماه ۱۰ کیلو کم کردم اما این همه ماجرا نبود. بعد از یک ماه که مصرف قرص را متوقف کردم، حالت افسردگی پیدا کرده بودم. از خودم و زندگی بدم می آمد و میل زیادی به خودکشی داشتم. مجبور شدم نزد روان پزشک بروم. آن جا بود که متوجه شد چه خطری از بیخ گوشم گذشته است. دکتر گفت این قرص حاوی مقادیر زیادی شیشه بوده و برای همین به محض مصرف نکردنش، این حالت ها در من به وجود آمده است. راستش مطمئن نبودم دکتر راست گفته باشد، اما وقتی فهمیدم، دوستان دیگر هم شرایط مشابه مثل من را تجربه کرده اند و نظر پزشک آن ها هم همین بوده، دیگر کاملا مطمئن شدم. حسابی شانس آوردم که به این قرص ها معتاد نشدم.»

## قرص خوردم چون اعتماد به نفس نداشتم

هانا ۳۶ سال دارد و به وضوح دارای اضافه وزن است. او می گوید: «اولین بار حدود ۱۵ یا ۱۸ سال پیش، تبلیغ قرص های لاغری را در شبکه های ماهواره ای دیدم و آن را سفارش دادم. باید بگویم فقط همین یک بار نبود. من قرص های زیادی را امتحان کردم و در هر دوره حداقل ۱۲ کیلو گرم وزن کم می کردم، اما همه این قرص ها یک ویژگی مشترک داشتند. با خوردن آن ها خواهم به هم می ریخت، اشتهایم کور می شد، پرخاشگر و عصبی می شدم و در طول روز تمرکز انجام هیچ کاری را نداشتم و البته با قطع همه آن ها خلق و خویم به هم می ریخت و دچار افسردگی می شدم. یادم می آید در یک دوره مصرف حدود دو ماه از خانه بیرون نرفتم، کارم را رها کردم و فقط بدون هیچ فکری به تلویزیون زل می زدم. در نهایت با کمک یک روان پزشک توانستم به زندگی عادی ام برگردم. چند وقت پیش در یک مقاله علمی اسم قرص های حاوی شیشه که سازمان غذا و داروی آمریکا آن ها را ممنوع کرده بود، به چشم خوردم. تمام قرص هایی که من یک دوره مصرف کرده بودم جزو آن ها بود. آن جا بود که دلیل رفتارم و افسردگی ناشی از مصرف قرص ها را فهمیدم. من به شکل ناخواسته به مصرف این قرص ها معتاد شده بودم.»



## زولبیا و بامیه، دستپخت ایرانی ها یا سوغات هندی ها؟!

این شیرینی خوشمزه و پرطرفدار چطور و از چه زمانی پای ثابت سفره افطار شد

اکرم انتصاری | روزنامه نگار



همان طور که نوروز در ایران با سفره هفت سین شناخته می شود، سفره ماه مبارک رمضان در کنار زولبیا و بامیه معنا می گیرد. سال هاست ایرانی ها در هنگام افطار، دهان خود را با زولبیا و بامیه شیرین می کنند. در تاریخ ناصری آمده که هندی ها، زولبیا را به عنوان تحفه ای از ناصرالدین شاه تقدیم کرده اند. ناصرالدین شاه دل و دین می باز دو پس از آن به شیرینی پزهای دربار دستور می دهد تا این شیرینی را به منوی شیرینی ها اضافه کنند و کم کم در کنار بامیه جا خوش می کند. جعفر شهری هم در کتاب «تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم» می نویسد: «مظفرالدین شاه غیر وقت می گفته کی ماه رمضان می آید، زولبیا و بامیه ای بخوریم؟ چنان که می گفته نوروز بیاید پلو بخوریم.» همین نویسنده در کتاب «طهران قدیم» می نویسد: «از تحولات دیگر ماه رمضان آمدن زولبیا و بامیه و گوش فیل و پیشمک بود که فقط در همین ماه به بازار می آمد.» به همین دلیل برخی معتقدند زولبیا و بامیه از همان ابتدا شیرینی ماه مبارک رمضان بوده است. در مینی پرونده امروز زندگی سلام از نکات کمتر شنیده شده درباره این شیرینی می گوییم.

زولبیا و بامیه، از گذشته تا امروز

شکل زولبیا و بامیه از گذشته دچار تغییراتی شده است. در کتاب «مستطاب آشپزی از سیر تا پیر» نوشته نجف دریابندری که یک کتاب مرجع آشپزی در ایران است، آمده: «شکل زولبیا در سال های اخیر تغییر کرده است. زولبیا امروز در تهران غالباً شبکه گردی به اندازه پیش دستی و به رنگ عسلی سوخته با میله های نازک و شکننده است که در گذشته زولبیا تیریزی یا بشقابی نامیده می شد، اما تا یکی دو دهه پیش «زولبیا» چیزی بود به اندازه نعلبکی به رنگ زرد روشن که چند تایی از آن را به رنگ عسلی سوخته و کاه گلی در می آوردند با میله هایی به کلفتی مداد و تا حدی نرم. در کشور های عربی زولبیا را «زلابیه» می نامند و در هندوستان «چلی» یا مایه زلابیه عربی و جلیبی هندی به هم نزدیک است و با زولبیا ایرانی کمی تفاوت دارد.» نحوه سرو بامیه هم با امروز متفاوت بوده است. در قدیم زولبیا و بامیه را در شهد نمی انداختند تا شیرین شود. کاسه ای جداگانه حاوی شیرو کشمش در کنار طبق بامیه بود تا هر کسی طبق سلیقه خود آن را با شیر شیرین کند.

قدیمی ترین زولبیا و بامیه پزهای ایرانی

چراغعلی و سیدعلی نوری زاده از پیش کسوتان زولبیا و بامیه پزی ایران هستند. پس از فوت چراغعلی، سیدعلی که یکی از طرفداران سرسخت بامیه های چراغعلی بود، از شاگرد او فوت و فن پخت زولبیا و بامیه های چراغعلی را یاد گرفت و خودش دست به کار شد. سیدعلی در ابتدا طبق کش بامیه در بازار تهران بود ولی عشق و علاقه اش به این حرفه باعث شد تا او صاحب بامیه پزی معروفی به نام «به به» شود که بیشتر اهالی تهران آن را می شناسند. بعدها سیدعلی مبتکر دستگاهی شد که دستگاه های بامیه زن امروزی هم برگرفته از دستگاه اولیه اوست. حاج علی کرلایی از دیگر زولبیا و بامیه پزهای معروف تهران است که بیشتر اوا به نام «بابا علی» می شناسند. مغازه او در باغ فردوس تهران بیشتر از ۹۰ سال قدمت دارد.

باور های جالب درباره این شیرینی

استاد میرجلال الدین کزازی زبان شناس و استاد زبان و ادبیات فارسی باور جالبی درباره زولبیا و بامیه دارد. او درباره معنای این دو شیرینی می گوید: «در نام این شیرینی های می توان پیوند آن ها را با روشنایی و خورشید یافت. به گمان بسیار «زولبیا» یا «زولبیا» که در ریخت های دیگر هم به کار برده می شود، مانند «زلیبیا» که در بیته از مسعود سعد سلمان کاربردیافته است یا «زلیبی» که در گویش شیرازی روایی دارد، می توانیم ریختی از چلیپا را بباییم. در باور شناسی ایرانی، چلیپا که از برهم افتادن دو چیز یادو چیز که باریک و بلندند، ساخته می شود، نماد پرتوهای خورشید است یا به سخنی دیگر مهر. از سوی دیگر «بامیه» آن شیرینی که بدان سان که گفته شد، برخوان روزه نهاده می شود، می تواند در پیوند باشد با روشنایی و خورشید. در نام این شیرینی ما این پیوستگی را همچنان می بینیم.» بامیه» یا در

ریخت کهن تر و دیگر آن، «بامیا» از واژه «بام» ستانده شده است. بام در زبان پارسی و دیگر زبان های کهن ایرانی، در معنی روشنایی است. در واقع روزه دار با خوردن «بامیه و زولبیا» می تواند روزنی به خورشید دانا بی بگشاید.»



منابع این بخش از پرونده: همشهری آنلاین، تابناک

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

پنج شنبه ۱۸ فروردین ۱۴۰۱  
۵ رمضان ۱۴۴۳ ۱۷ آوریل ۲۰۲۲  
شماره ۲۰۹۰۸

۲۱۲۸

هنر پرونده